

پایگاه طبقاتی و عملکرد نمایندگان بندرعباس در دوره چهاردهم و پانزدهم مجلس شورای ملی*

فاطمه نجفی

کارشناس ارشد مطالعات خلیج فارس

فرهاد نجفی

پژوهشگر

چکیده

در دوره‌های چهاردهم و پانزدهم مجلس شورای ملی، از بندرعباس دو نماینده به مجلس راه یافتند. عبدالله گله‌داری در دوره چهاردهم و دکتر مصطفی مصباح‌زاده در دوره پانزدهم کسانی بودند که نام آنها از صندوق‌های حوزه انتخابیه بندرعباس بیرون آمد. این در حالی بود که مصباح‌زاده در دوره چهاردهم نیز نامزد نمایندگی مجلس شده بود اما با سفارش ترات (رئیس اطلاعات سفارت انگلستان) که تمایل به انتخاب عبدالله گله‌داری داشت، مصباح‌زاده از رسیدن به نمایندگی بازماند. گله‌داری از خانواده معروف و ثروتمند گله‌داری بود و از ملاکین و ثروتمندان جنوب به شمار می‌رفت ولی تحصیلات بالایی نداشت. مصباح‌زاده دارای دکترای حقوق از فرانسه بود.

در این مقاله، پایگاه طبقاتی نمایندگان بندرعباس و عملکرد این دو نماینده در دوره‌های چهاردهم و پانزدهم مجلس شورای ملی با بهره‌گیری از صورت مذاکرات مجلس و اسناد موجود، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.
کلیدواژه‌ها: مجلس شورای ملی، دوره چهاردهم، دوره پانزدهم، عبدالله گله‌داری، مصطفی مصباح‌زاده.

انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی، اولین دوره انتخاباتی بود که بعد از سقوط رضاشاه و اشغال ایران به دست متفقین انجام پذیرفت. این انتخابات، در حالی انجام می‌پذیرفت که کشور در شمال و جنوب، تحت نفوذ دولت‌های شوروی و انگلستان بود و سیاست‌های مداخله‌جویانه این دو کشور در ایران، سیاست داخلی و حتی انتخابات را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌داد. در انتخابات دوره چهاردهم، با توجه به اسناد و گزارش‌های برجای‌مانده، علاوه بر خواست محمدرضاشاه، دخالت‌های دول شوروی و انگلستان در راهیابی نمایندگان متمایل به این دو دولت به مجلس، تأثیرگذار بود.

بندرعباس از جمله شهرهایی به شمار می‌رفت که در جریان انتخابات چهاردهمین دوره مجلس شورای ملی، متأثر از اختلاف نظر بین شاه و انگلستان بود و گزارش‌هایی مبنی بر تخلف از سوی فرمانداری بندرعباس، در جریان بررسی صحت انتخابات در مورد این شهر به مجلس رسیده بود.

نماینده‌ای که در دوره چهاردهم از بندرعباس به مجلس راه یافت، عبدالله گله‌داری بود که در رقابت با مصطفی مصباح‌زاده، توانست کرسی مجلس را به دست آورد و مصباح‌زاده با وجود اینکه بنا بر گزارش‌های موجود، از سوی شاه سفارش شده بود، در این دوره در رقابت با خواست انگلستان مبنی بر انتخاب عبدالله گله‌داری، نتوانست موفقیتی به دست آورد و مصباح‌زاده که دارای دکترای حقوق از فرانسه بود و روابط حسنه‌ای نیز با محمدرضاشاه داشت، بار دیگر در دوره پانزدهم در انتخابات بندرعباس شرکت نمود و توانست به مجلس راه پیدا کند.

گله‌داری و انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی

دستور شروع انتخابات دوره چهاردهم مجلس در خرداد ماه ۱۳۲۲ شمسی از طرف محمدرضاشاه صادر شد و علی‌سپهیلی در مقام نخست‌وزیری عهده‌دار انجام این کار گردید. سپهیلی درباره روند اجرای انتخابات در سراسر کشور، سیاست دولت را برگزاری انتخابات آزاد عنوان کرد. وی در روزنامه اطلاعات، این‌گونه اعلام کرد:

... من به این نتیجه رسیده‌ام که باید انتخابات کاملاً آزاد باشد تا ملت به حق مسلم و قانونی خود برسد و مردم از حق خود استفاده کنند ...^۱

با این وجود، از جمله اتهاماتی که به علی‌سپهیلی وارد شد، تقلب و مداخله در انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی بود که در اولین روزهای افتتاح مجلس، از سوی یکی از نمایندگان مطرح گردید. همین موضوع، سپهیلی را برآن داشت تا در نامه‌ای که در روزنامه اطلاعات به چاپ رسید، پاسخ خود را به اتهامات وارده بیان نماید:

... مطالبی راجع به انتخابات نوشته و حتی مرا متهم ساخته‌اند که سوءاستفاده‌هایی کرده‌ام؛ اگر چه با آشنایی به موقعیت و شخصیت آقایان نمایندگان هیچ‌کس احتمال امکان استفاده مادی نمی‌دهد و عدم اعتراض مجلس شورای ملی با وکیلانی که مسلم و وجهه عمومی دارند و تصویب اعتبارنامه‌ها بهترین قرینه رفع این عناوین و غرض‌ورزی‌ها می‌باشد. معهداً چون محرومیت تنی چند از وکالت یا حرمان از منافع و

آرزوهای دیگر، مسبب این همه حرف‌ها شده، از کلیه آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی خواهش می‌کنم اگر از بابت انتخابات خود، دیناری به اینجانب داده باشند، بدون ملاحظه اظهار کنند و اینجانب حاضرم هر مدعی پرداخت وجهی را با مسئولیت تام جواب گویم. در مقابل تمام این حرف‌ها این افتخار مرا بس که امر انتخابات را با جریاناتی که در این کشور هست، به خاتمه رساندم و به افتتاح مجلس شورای ملی توفیق حاصل نمودم ...^۱

مهدی فرخ نماینده زابل، در نطق پیش از دستور به تاریخ ۱۰ فروردین ۱۳۲۳ شمسی درباره تخلف در انتخابات در بعضی از شهرستان‌ها علیه سهیلی نخست‌وزیر و تدین وزیر کشور اعلام جرم نمود:
... قانون محاکمه وزراء ماده ۲ می‌گوید که موجبات تعقیب وزراء از طرف مجلس شورای ملی به قرار ذیل است.

اول - اعلام کتبی یکی از نمایندگان در مجلس شورای ملی دایره به وقوع جنحه یا جنایت. من در مقابل نمایندگان ملت، علی سهیلی و سیدمحمد تدین را اعلام جرم می‌کنم و جرائمی که برای اعلام جرم نسبت داده شده است و اسنادی که برای این نسبت تهیه شده است، چندین مورد است ولی یک مورد را بنده مقدم قرار دادم. علت تقدّم هم این است که توجه نمایندگان را به این موضوع بیشتر دیدم و آن موضوع، موضوع انتخابات دوره چهاردهم است. علت توجه نمایندگان را هم من این‌طور تشخیص دادم که اگر واقعاً از انتخابات دست‌های آلوده را دور کردیم و واقعاً از دولت که در انتخابات، مداخله ناهق می‌کند، جلوگیری کردیم، آن وقت می‌توانند نمایندگان حقیقی ملت، کرسی‌های خودشان را اشغال کنند و دولتی که می‌آید چون زائیده‌شده فکر نمایندگان است، طبعاً آن‌ها هم صالح انتخاب خواهند شد. بنابراین بنده این موضوع را بر سایر موضوعات، مقدم شمردم. این است آن ورقه اعلام جرم که می‌خوانم ...^۲

یکی از شهرهایی که ظن دخالت وزارت کشور در انتخابات آن وجود داشت، بندرعباس بود. در این دوره، سه نفر از بندرعباس نامزد شده بودند: عبدالله گله‌داری، دکتر مصطفی مصباح‌زاده و مشیر دوانی. در این دوره، بین عبدالله گله‌داری و مصطفی مصباح‌زاده رقابت شدیدی وجود داشت. مصباح‌زاده از گزینه‌های مورد حمایت شاه بود و محمدرضا پهلوی مایل بود که نام او در بندرعباس از صندوق‌ها خارج شود و این در حالی بود که گله‌داری مورد حمایت انگلیسی‌ها قرار داشت.

عبدالله گله‌داری که در سال ۱۲۹۳ شمسی به دنیا آمده و چنانکه خود اظهار می‌کند تنها ۲۲ سال از عمر ۸۵ ساله خود را در ایران به سر برده بود. خانواده مشهور گله‌داری، از تجار مشهور جنوب و اصالتاً اهل گله‌دار بودند که به نقاط دیگر از جمله بندرلنگه، بندرعباس و امارات متحده عربی مهاجرت کرده بودند. وی در خاطرات خود درباره سال‌های حضورش در خارج از ایران، این‌گونه به شرح ماجرا می‌پردازد:

... تحصیلات من در هند بود؛ در بمبئی؛ بعد سال‌ها در ممالک عربی ماندم و در آلمان تجارتخانه دایر کردم و سپس به انگلیس رفتم و وقتی جنگ جهانی شروع شد، آمدم به ایران. سالی که بازگشتم، پیش از حمله آلمان به روسیه بود.^۳

۱. روزنامه اطلاعات، ش: ۵۴۲۶، ۸ فروردین ۱۳۲۳.

۲. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهاردهم، جلسه ۱۱.

۳. گله‌داری، عبدالله، «من مأمور انگلیس در ایران بودم»، نشریه تاریخ معاصر ایران، شماره ۷، پاییز ۷۷، ص ۳۳۲.

گله‌داری، یک تاجر عمده بود و پدر وی نیز از عمده‌مالکان به شمار می‌رفت.^۱ تعدادی از افراد خانواده او نیز در بندرعباس و کرمان برای کنسولگری انگلیس کار می‌کردند و او نیز بعد از بازگشت به ایران، مورد توجه مأموران انگلیسی قرار گرفت و بعد از مدتی روابط او با انگلستان گسترده‌تر شد.

... وقتی آمدم تهران، عضو کلوب تهران شدم. این کلوب، مال انگلیسی‌ها بود. در آن جا اغلب با یکی از دوستانم به نام عماد کیا که بعداً کنسول ایران در نیویورک و چند کشور دیگر شد، معاشر بودم. کیا مرا با مستر ترات آشنا کرد که در آن سال‌ها، بعد از سفیر، بالاترین مقام را داشت و همین سرآغاز دوستی و رابطه من با مقامات انگلیس شد. ترات یک دیپلمات قدیمی انگلیسی بود که سال‌ها در ایران خدمت کرده بود و فارسی را بسیار خوب و روان صحبت می‌کرد. وقتی فهمید شیخ عبدالله گله‌داری هستم و پسر عموی گله‌داری‌هایی که در کنسولگری‌های کرمان و بندرعباس کار می‌کنند، به من اعتماد کرد و مرا به دوستی پذیرفت. از آن تاریخ به بعد، رفت و آمد من با مقامات انگلیس شروع شد. در اولین فرصت، مرا به سر ریدر بولارد، سفیر کبیر انگلیس در ایران معرفی کرد.^۲

مورد تأیید قرار گرفتن عبدالله گله‌داری توسط انگلیس برای نمایندگی بندرعباس، پابان ماجرا نبود و با توجه به اینکه شاه ایران به انتخاب مصباح‌زاده در بندرعباس و افرادی برای شهرهای دیگر تمایل داشت ولی با دخالت روسیه در شمال و انگلستان در استان‌های جنوبی، خواست او نقش بر آب شده بود، شاه به این فکر افتاد که انتخابات را برهم بزند. در این رابطه، سندی وجود دارد که سر ریدر بولارد در نامه‌ای به وزارت خارجه انگلستان به تمایل شاه به برهم زدن انتخابات دوره چهاردهم مجلس و برگزاری انتخابات جدید اشاره کرده است:

ریدر بولارد به وزارت خارجه (۲۲/۱۰/۳۰) ۱۹۴۴/۱/۲۰ و خا ۳۷۱-۴۰۱۸۶- (ی ۴۹۳)

ریدر بولارد به وزارت خارجه

دیروز ۱۹ ژانویه شاه مرا احضار کرد و نظرم را در مورد اقدامی که می‌خواست انجام دهد، جویا شد. او در نظر داشت که مجلس را منحل کند و از نو، انتخابات، زیر نظر نخست‌وزیری که مورد اعتماد عموم باشد، انجام گیرد. دلیل او بر مخدوش و تقلبی بودن این انتخابات، این بود که ثروتمندان با صرف پول‌های هنگفت، آراء مردم را خریده‌اند و دیگر اینکه روس‌ها در ناحیه شمال از نفوذ خود استفاده کرده و دست‌نشانندگان خود را به مجلس فرستاده‌اند. از او پرسیدم که آیا تصوّر می‌کند مجلسی که بنا بر پیشنهاد او تشکیل گردد، با مجلسی که اینک انتخابات آن جریاد دارد، تفاوت زیادی خواهد داشت؛ پاسخ او این بود که دست‌کم نمایندگان آن، برگزیده مردم خواهند بود. اما بیم من از آن بود که خواست واقعی شاه، نه انتخاب نمایندگان بهتر، بلکه انتخاب نمایندگان فرمان‌بردارتر باشد؛ چنان‌که این کار را در انتخابات بندرعباس انجام داده بود ...

در مذاکرات روز ۱۹ ژانویه، شاه بسیار کوشید تا موافقت مرا با طرحی که در نظر داشت، به دست آورد اما من زیر بار نرفتم و گفتم او باید شخصاً تصمیم بگیرد. هم‌چنین به او گفتم باید متوجه باشد که ممکن است او را به دخالت در انتخابات به خاطر مقاصد خصوصی‌اش متهم سازند. به نظر من شاه دارد مرتکب

۱. شجیعی، زهرا، نمایندگان مجلس شورای ملی در ۲۱ دوره قانون‌گذاری (مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، مرداد ۱۳۴۴)؛ ص ۳۵۸.

۲. همان؛ ص ۳۳۳.

خطای بزرگی می‌شود و وظیفه خود دانستم که آن را به وی تذکر دهم. این گفت‌وگوها و نظر خودم را به سفیر ایالات متحده گزارش دادم. او نیز با نظر من کاملاً موافقت داشت.^۱

در این سند، سفیر انگلستان به نارضایتی شاه از انتخابات اشاره کرده است و این نارضایتی نه تنها به دلیل انتخاب ثروتمندان به عنوان نماینده و نفوذ روس‌ها در شمال کشور در فرستادن نمایندگان دست‌نشانده خود به مجلس بود بلکه بیانگر ناراحتی و نارضایتی شاه از انگلستان در دخالت در انتخابات جنوب کشور نیز به شمار می‌رفت که شاه از بیان آن به صورت مستقیم به بولارد عاجز بوده است. برهم‌زدن انتخابات و برگزاری مجدد آن، برای شاه رضایت خاطر بیشتری را فراهم می‌ساخت و با این کار می‌توانست از انتخاب نمایندگان پیشین که وابسته به انگلستان یا شوروی بودند و یا از پایگاه مردمی برخوردار بودند، جلوگیری نماید اما بولارد به شاه هشدار می‌دهد که در صورت برهم‌زدن انتخابات و برگزاری مجدد آن، متهم به دخالت در انتخابات خواهد شد و همین موضوع، تصمیم شاه را مبنی بر انحلال و برگزاری مجدد انتخابات عوض نمود؛^۲ اتهامی که در همین انتخابات جاری نیز بر او وارد بود زیرا در شهر بندرعباس، توصیه محمدرضا ضمن تلگرافاتی که بین وزارت کشور و فرمانداری این شهر رد و بدل شده بود، صریحاً نشان داده می‌شود. مهدی فرخ، نماینده سیستان، در نطق پیش از دستور خود همین اتهام را نسبت به علی سهیلی و محمد تدین بیان می‌کند. فرخ، موضوع اتهام سهیلی را این چنین اعلام می‌نماید:

مجلس شورای ملی

بر نمایندگان محترم پوشیده نیست که آقایان سهیلی نخست‌وزیر و تدین وزیر کشور، در انتخابات دوره چهاردهم قانون‌گذاری، در بسیاری از نقاط کشور، مداخلات غیرقانونی و مفسده‌انگیزی نموده و چون این مداخلات، ناشی از سوءنیت و به قصد انتفاع بوده، نسبت به شکایات هیچ‌یک از نقاط مورد دخالت، توجه شایسته نکرده و بالعکس فشار و سختی‌های وارده بر اهالی به حدی شدید بود که به نزاع و جرح و ضرب و انتشار کینه و نفاق بین اهالی و بی‌اعتمادی ساکنین آن نقاط نسبت به عدالت اجتماعی دولت منتهی شده بوده و به درجه‌ای وزیران مزبور نسبت به شکایات، لاقیدی و بی‌اعتنایی، نشان داده‌اند که اهالی را به التجاء به قونسولگری خارجی سوق داده‌اند.

حقیقی که در بالا به عرض رسید، طبق اسناد و نوشتجات و شکایات واصله، به مجلس شورای ملی و جراید، و محتویات پرونده‌های انتخابی در اعلی درجه وضوح و ثابت است. نظر به مراتب معروضه و نظر به اینکه اعمال آقایان سهیلی و تدین و مداخلات آنان در انتخابات و کلیه اوامری که آن‌ها کتباً یا شفاهاً به مأمورین و استانداران برای سلب آزادی مردم و تحمیل انتخابات اشخاص بر اهالی کشور داده‌اند، طبق مواد ۹۱ و ۹۲ و ۲۸۰ از قانون مجازات همگانی قابل تعقیب به شمار می‌رود. از این روی موافق ماده ۱ و شق اول ماده ۲ قانون محاکمه وزراء، وقوع جرایم فوق‌الذکر و اتهام به مجرمیت آقایان سهیلی و تدین را اعلام می‌دارد. در خاتمه رونوشت و عین دوازده طغرا تلگراف برای ثبوت قطعی جرم به‌ضمیمه تقدیم می‌شود. - مهدی فرخ.^۳

۱. خامه‌ای، انور، سال‌های پیرآشوب، بخش چهار (تهران: نشر پژوهش فروزان روز، ۱۳۸۱)؛ ص ۱۱؛ نک: سند شماره ۵.

۲. همانجا.

۳. مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهاردهم، جلسه ۱۱.

مهدی فرخ تنها به اعلام جرم نسبت به سهیلی بسنده نکرده و تلگرافات موجود را نیز برای اطلاع عموم نمایندگان در مجلس قرائت می‌کند:

... اما موارد جرم: در بندرعباس انتخابات شروع شده است. حکومت، انجمنی را تشکیل داده است. از وزارت داخله تلگراف می‌کنند؛ از طهران به عباسی: فرمانداری ۳۲۱۲ با بررسی دقیق به طرز انتخابات انجمن نظارت، لازم است معلوم دارید که آیا مطابق مقررات تشکیل شده یا نقص قانونی دارد تا دستور داده شود و تمایل اشخاص، ملاک خوبی یا بدی انجمن نباید باشد. با دقت کافی نتیجه گویند ۶۳۷۸ به جای وزیر کشور نصر؛ از بندرعباس جواب می‌دهند: جواب طهران کشور ۶۳۷۸ مفتاح ۲۷ - انجمن نظارت به منظور فرمانداری از شخص معین تشکیل و بی‌طرف نیست. آن حکومت را احضار می‌کنند. آقای گرگانی نامی را به نام فرمانداری می‌فرستند. پس از این، انجمن را تغییر داده؛ وزارت کشور تلگراف رمز می‌کند: شماره تلگراف ۱ از طهران به عباسی. آقای دکتر مصباح‌زاده را فراموش نکنید. دستور اجرای انتخابات آن‌جا می‌رسد.

جواب - جناب آقای نخست‌وزیر ۱۵۵۹ ق. م. ض. ل. ه. م. ۳۰۳۷ فرماندار گرگانی.

کشف - اطاعت می‌شود.

از طهران به عباسی؛ شماره تلگراف ۴۵ - از تهران به عباسی؛ شماره قبض تلگراف ۲۹۱/۱۵۸۸۵۴ عدد کلمات ۱۹ / تاریخ ۲۲ / تاریخ وصول ۲۴/۸/۲۲ / فرمانداری / مفتاح ۵ / کشف - نظریه و مطالعه فرمانداری نسبت به زمینه اشخاص برای انتخابات چیست؟
جواب - وزارت کشور ۱۱۳۹ / مفتاح ۲۷ - کشف - با این انجمن زمینه برای انتخاب دکتر مصباح‌زاده فراهم است.

مجدداً از طهران تلگراف می‌شود: شماره تلگراف ۲ از طهران به عباسی فرمانداری. مفتاح ۲۷ / تعقیب ۱۲۲۹. عمل شما باید غیرمحسوس و به کلی محرمانه باشد.^۱

گله‌داری در خاطرات خود به موضوع حمایت سفارت بریتانیا از او و سه نفر دیگر که از شهرهای مختلف باید به نمایندگی مجلس انتخاب می‌شدند، اشاره نموده است:

سفارت انگلیس، چهار کاندیدا داشت که می‌خواست هر چهار نفر به مجلس بروند؛ من و سیف پورفاطمی و امیرجنگ بختیاری و سردار مجلل که قرار بود او هم وکیل شود و نشد. مستر ترات به من قول صریح داده بود که من از بندرعباس وکیل خواهم شد ولو آنکه دکتر مصباح‌زاده، کاندیدای دیگر، حامیانی مثل شاه و رئیس دولت داشته باشد. من از بازی‌های پشت پرده آگاهی داشتم ولی دقیقاً نمی‌دانستم که مخالفان من برای وکالت مجلس چه کسانی هستند.^۲

بنابراین در رقابت بین گله‌داری و مصباح‌زاده که یکی مورد حمایت انگلستان و دیگری تحت حمایت شاه بود، قدرت انگلستان بر شاه چربید و شاه که حتی درباره مسائل داخلی کشور، نظرات سفیر انگلستان را جویا می‌شد، در این مورد نیز نتوانست کاری از پیش ببرد. البته باید در نظر داشت که روابط و نزدیکی گله‌داری و انگلیسی‌ها، برای شاه نیز نباید خارج از فایده بوده باشد زیرا در مواردی که نیاز بود، شاه از گله‌داری برای انتقال گفتگوها و درخواست‌های خود به سفارت انگلستان استفاده می‌نمود. چنانچه در یک مورد که کدورتی بین شاه و سفیر انگلستان پیش آمد، این گله‌داری بود که از سوی شاه مأموریت می‌یافت

۱. همانجا.

۲. گله‌داری، همان؛ ص ۳۳۸.

تا علت این دلتنگی را جويا شود. گله‌داری نیز به سفارت مراجعه نموده و دلایل این دلتنگی را جست‌وجو می‌کند که در جواب به او این‌گونه گفته می‌شود:

- (۱) اگرچه ما با آمریکایی‌ها دوست و پسرعمو هستیم؛ متعهداً سفیر انگلیس، مطلبی را به شاه گفته بود. شاه هم عیناً آن را به سفیر آمریکا گفته بود که مدتی بین سفرا دلتنگی و گله‌گزاری بود و حالا هم هست.
- (۲) اینکه ایشان فکر نکنند که شاه هستند ... پدرشان را اگر فکر می‌کنند شاه بود، شاه ژنرال آبرونساید بود؛ او یک دزد تاج و تخت بود ...^۱

با وجود اینکه از بندرعباس نماینده مورد نظر شاه به نمایندگی دست نیافت اما طبق شواهد و مدارکی که در زمینه مداخله دربار و وزارت کشور در انتخابات بندرعباس و چند شهر دیگر به مجلس رسیده بود، در جلسه ۲۵ گزارش کمیسیون عرایض، اعلام جرم نسبت به سهیلی و تدین قرائت شد. طی این اعلام جرم اتهامات وارده به علی سهیلی به شرح زیر اعلام گردید:

- (۱) پیش‌نویس تلگرافی بدون تاریخ و شماره ملاحظه شد؛ به مفاد اینکه آقای دکتر مصباح زاده را فراموش ننمایید.
- (۲) تلگراف شماره ۳۰۳۷ فرماندار بندرعباس خطاب به آقای نخست‌وزیر به مفاد اینکه ۱۵۵۹ اطاعت می‌شود؛ در صورتی که برای پیش‌نویس بدون شماره و تاریخ بالا، آثاری در دفتر نخست‌وزیر ملاحظه نشد.
- (۳) پیش‌نویس تلگراف بدون تاریخ و شماره، با خط علی سهیلی به فرماندار بندرعباس به این مضمون: راجع به انتخابات، لازم است نهایت بی‌طرفی را اعمال و به کلی از هر نوع مداخله احتمالی خودداری نمائید.^۲

بنابراین با توجه به تحقیقات لازم در زمینه دخالت سهیلی در انتخابات شهر بندرعباس و همچنین شهرضا که کمیسیون عرایض تحقیقات لازم را درخصوص آن انجام داده بود، تحقیقات بیشتر در این زمینه را به اتفاق آراء، غیرلازم تشخیص دادند. موضوع دیگر، اعلام جرم مهدی فرخ نسبت به سیدمحمد تدین وزیر سابق کشور بود که اتهام او نیز دخالت در انتخابات چند شهر از جمله بندرعباس بود که در همین جلسه نیز گزارش آن توسط کمیسیون عرایض قرائت شد. اتهامات وارده به تدین درخصوص انتخابات بندرعباس به شرح زیر اعلام گردید:

- (۱) تلگراف صادره از وزارت کشور به شماره ۱۱۳۹ مورخ ۲۲/۸/۲۳ خطاب به فرمانداری بندرعباس به مفاد اینکه نظریه مطالعه فرمانداری نسبت به زمینه اشخاص برای انتخابات فوراً تلگرافید.
- (۲) تلگراف شماره ۳۰۳۸ فرمانداری بندرعباس به مفاد اینکه کاندیدهای انتخابات اینجا به ترتیب زیر از این قرار است: اول: دکتر مصباح زاده؛ دوم: مشیردوانی؛ سوم: گله‌داری.
- (۳) تلگراف شماره ۱۲۲۹ مورخ ۲۲/۹/۱۳ صادره از وزارت کشور به فرمانداری بندرعباس به مفاد اینکه البته اولی مقدم است.
- (۴) تلگراف شماره ۱۲۳۴ مورخ ۲۲/۹/۱۳ وزارت کشور/ تعقیب شماره ۱۲۲۹، به عنوان فرماندار بندرعباس به مفاد اینکه عمل شما باید غیرمحسوس و به کلی محرمانه باشد.^۳

۱. صولت قشقایی، محمدناصر، سال‌های بحران؛ خاطرات روزانه محمدناصر صولت قشقایی (تهران: رسا، ۱۳۶۶)؛ صص ۲۵۱-۲۵۰.

۲. مشروح مذاکرات مجلس، دوره چهاردهم، جلسه ۲۵.

۳. همانجا.

در نهایت با توجه به مدارک موجود در موضوع مورد بحث، از سوی کمیسیون عرایض و به اتفاق آراء، مقرر گردید که تحقیقات لازم ادامه یابد و بدین ترتیب، موضوع به کمیسیون دادگستری ارجاع داده شد. رسیدگی به تخلفات انتخاباتی، در مجلس ادامه داشت و مجلس در عین حال، روند عادی خود را پیگیری می‌کرد. در جلسه روز پنجشنبه اول تیر ماه ۱۳۲۳، گزارش مربوط به انتخابات شهر بندرعباس قرائت گردید و از آنجا که در زمان تعیین شده، رأی‌گیری اتمام یافته و در موعد مقرر نیز هیچ‌گونه شکایتی مبنی بر تخلف در جریان انتخابات این شهر به مجلس شورای ملی نرسیده بود، اعتبارنامه عبدالله گله‌داری مورد تأیید قرار گرفت و با اکثریت آراء، نمایندگان به نمایندگی وی از شهر بندرعباس رأی دادند.^۱

در خصوص رسیدگی به اعلام جرم علیه علی سهیلی و محمد تدین در جلسه ۴۵ مجلس، این دو نفر به‌طور جداگانه به کمیسیون احضار و از آن‌ها در مورد اتهامات وارده، توضیحات لازم خواسته شد که با توجه به محتویات پرونده و اظهارات علی سهیلی و گرگانی فرماندار وقت بندرعباس و ملاحظه منویات تلگرافاتی بدون نمره و تاریخ از طرف علی سهیلی راجع به آزادی انتخابات شهرضا و بندرعباس، از سوی کمیسیون دادگستری رأی‌گیری به عمل آمد و اتهام وارده به علی سهیلی، غیرقابل تعقیب شناخته شد.^۲

موضوع دخالت در انتخابات تنها محدود به نطق‌های مجلس و نمایندگان دوره چهاردهم مجلس شورای ملی نبود بلکه در میان روزنامه‌ها نیز این خبر انعکاس می‌یافت و اهل جراید نیز خواهان رسیدگی به تخلف وزارت کشور در انتخابات بودند؛ چنان‌که در روزنامه مرد/روزنامه‌ای از طرف تعدادی از مدیران روزنامه‌ها نسبت به تخلف سهیلی در انتخابات کشور در فومن، گرگان، فارس، بندرعباس، ساری، بابل و خراسان به چاپ رسید و همگی خواستار رسیدگی به این تخلفات بودند.^۳

در نامه‌هایی که از سوی تعدادی از اهالی بندرعباس نوشته شده، می‌توان به اختلافات موجود بین کاندیداهای حوزه بندرعباس بعد از راه یافتن گله‌داری به مجلس شورای ملی، پی برد. چنان‌که در دو سند موجود، اهالی بندرعباس به ارائه گزارشی پیرامون تحریکات صورت گرفته از سوی دو کاندیدای محروم‌الوکاله (مشیردوانی و مصباح‌زاده)، در جهت بدنام کردن گله‌داری و اعلام گزارش‌هایی از مشکلات بندرعباس پرداخته‌اند.^۴

عبدالله گله‌داری در مجلس شورای ملی عضو فراکسیون میهن بود. فراکسیون میهن ۲۶ نماینده داشت که اغلب نمایندگان حوزه نفوذ انگلستان یعنی جنوب ایران را در بر می‌گرفت. رهبران این فراکسیون یعنی مدنی، طاهری و نمازی از حمایت سیدضیاء در یزد، امامی کارخانه‌داری در اصفهان و فاطمی نماینده نجف‌آباد برخوردار بودند. ترکیب شغلی این فراکسیون عبارت بود از: ۱ مالک؛ ۵ بازرگان که اغلب این بازرگانان با انگلستان معامله داشتند؛ ۳ روزنامه‌نگار؛ ۳ کارمند؛ یک حقوقدان و یک روحانی متنفذ. این فراکسیون با نمایندگان فراکسیون دموکرات که به فراکسیون عشایر نیز معروف بود، همکاری داشت.^۵

۱. مشروح مذاکرات مجلس، دوره چهاردهم، جلسه ۴۰؛ نیز نک: سند شماره ۱.

۲. همان، جلسه ۴۴.

۳. مسعود، محمد، روزنامه مرد/امروز، شماره ۱۳، فروردین ۱۳۲۳.

۴. نک: سند شماره ۲ و ۳.

۵. کوهی کرمانی، حسین، از شهریور ۱۳۲۰ تا فاجعه آذربایجان و زنجان، ج ۲ (تهران: چاپخانه مظاهری، ۱۳۲۹)؛ ص ۴۵۲.

از فعالیت‌های این دوره گله‌داری برای حوزه انتخابیه خود یعنی بندرعباس، اسنادی در کمیسیون عرایض کتابخانه مجلس شورای اسلامی وجود دارد که نشان‌دهنده وضعیت اجتماعی مردم بندرعباس و جنوب ایران در سال‌های جنگ جهانی دوم و اشغال ایران به دست انگلیس و روسیه نیز می‌تواند باشد. تصاویر تعدادی از این اسناد در انتهای مقاله ارائه می‌گردد.

در یکی از این اسناد که در تیر ماه سال ۱۳۲۳ شمسی از سوی گله‌داری نوشته شده، نسبت به عدم اجازه صدور خرمای مازاد مالکین بندرعباس و میناب به عمانات، خواستار پیگیری و رفع این مشکل و اجازه صدور خرمای مازاد که بالغ بر ۱۰ هزار تن بوده، شده است. این نامه در سه نسخه به وزیر دارایی وقت، دکتر میلسپو رئیس کل دارایی ایران و نخست‌وزیر ایران ارسال گردیده و در این سه نامه، گله‌داری خواستار رفع مشکل صدور خرمای بندرعباس و میناب شده بود.^۱

از جمله اسنادی که در کمیسیون عرایض کتابخانه مجلس موجود است، عریضه‌هایی از سوی مردم بندرعباس و اطراف است که در حوزه انتخابیه گله‌داری قرار داشتند و طی این نامه‌ها درخواست خود را درخصوص مشکلاتی که درگیر آن بودند، بیان کرده‌اند. به عنوان نمونه در سند شماره ۷ درخواست مردم قشم نسبت به پرداخت حق قماش یک‌ساله و قند و شکر و چای که تا آن روز به تأخیر افتاده بود، مطرح شده است. هم‌چنین در سند شماره ۸ نامه مردم روستای لایرنگو نسبت به ظلم و تعدی دزدان و راهزنان خطاب به عبدالله گله‌داری چنین آمده است که ایشان مشکلاتی را برای اهالی به وجود آورده‌اند و پیرو آن، نامه شماره ۹ گله‌داری درخصوص مشکلات به وجود آمده برای اهالی این روستا، خطاب به وزارت کشور نگاشته است و نامه‌های بعدی (شماره ۱۰ و ۱۱) نیز گزارشی از پیگیری‌های صورت گرفته توسط وزارت کشور در جهت رفع این مشکل است. دو سند بعدی اعتراض مردم خورگویه به انتصاب کدخدای جدید برای این دهستان است چراکه موافق با نظر و خواست مردم نبوده و اهالی این دهستان خواستار برکناری این کدخدا بوده‌اند.^۲

مصباح‌زاده و دوره پانزدهم مجلس شورای ملی

مصطفی مصباح‌زاده فرزند عبدالرحمن مصباح دیوان اوزی در سال ۱۲۸۸ ه.ش. در شهر شیراز به دنیا آمد.^۳ پدرش عبدالرحمن نیز از رجال سیاسی بود که حکومت شهرهای عباسی و بندرلنگه را در دست داشت و بعد به شیراز نقل مکان نمود. مصطفی مصباح‌زاده پس از طی دوران تحصیلات خود در شهر شیراز، برای ادامه تحصیلات به تهران آمد و وارد مدرسه عالی حقوق تهران شد. پس از اتمام تحصیلات خود در آن‌جا برای ادامه تحصیل خود در رشته حقوق به اروپا رفت و دکترای حقوق را از پاریس دریافت نمود.^۴ مصباح‌زاده درباره سابقه خانوادگی و تحصیلات خود در خاطراتش این‌گونه آورده است:

۱. سند شماره ۴ و ۵ و ۶.

۲. سند شماره ۱۲ و ۱۳.

۳. عاقلی، باقر، شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۳ (تهران: نشر گفتار، ۱۳۸۰، چاپ اول)؛ ص ۱۴۵۰.

۴. طلوعی، محمود، بازیگران عصر پهلوی، ج ۲ (تهران: نشر علم، ۱۳۷۳، چاپ دوم)؛ ص ۷۸۳.

من از طرف پدر، اهل فارس هستم. پدرم پس از فراغت و بازنشستگی از خدمات دولتی، در خطه فارس و سیستان و بلوچستان، با قوام‌الملک شیرازی کار می‌کرد و روابط نزدیکی با او داشت. به این جهت، من و پسران قوام‌الملک، به نام‌های علی و محمدرضا قوام، برای ادامه تحصیل ابتدا به بیروت رفتیم و از آنجا علی و محمدرضا قوام به انگلستان رفتند و من هم آمدم به فرانسه و تحصیلاتمان را تقریباً باهم تمام کردیم و برگشتیم.^۱

وی بعد از بازگشت به ایران به تدریس در دانشکده حقوق دانشگاه تهران مشغول شد و همزمان نیز به کار وکالت می‌پرداخت.^۲

مصباح‌زاده که توانسته بود در خرداد ۱۳۲۱ شمسی روزنامه کیهان را بنیان نهد، در مدت زمان کوتاهی اعتماد محمدرضاشاه را برای نمایندگی مجلس به دست آورد. این روزنامه به دلیل اطلاع مصباح‌زاده از تنفر شاه از روزنامه اطلاعات و سردبیر آن یعنی مسعودی، تأسیس شده بود. ارتشبد فردوست شرح ماجرای تأسیس روزنامه کیهان و درخواست مصباح‌زاده مبنی بر دریافت حمایت و کمک مالی از سوی محمدرضاشاه را این‌گونه بیان می‌کند:

تصوّر می‌کنم نیمه سال ۱۳۲۰ بود که متوجه شدم مصباح‌زاده دور و بر من می‌پلکد و مرتب درخواست می‌کند که با شما کار دارم و وقتی بدهید که مفصل صحبت کنیم! با او صحبت کردم و گفتم که اگر بتوانید، ترتیبی بدهید که اعلیحضرت را ملاقات کنم تا خیلی بهتر بتوانم مطلب را ادا کنم. به او گفتم که لب مطلب را بگو! گفت: لب مطلب این است که اکنون روزنامه اطلاعات یگانه‌تاز میدان است و این صحیح نیست. مسعودی، تاجر است و کارش تجارت است نه روزنامه‌نگاری. هرکس بیشتر به او پول بدهد، به نفع او خبرسازی می‌کند و اطلاعات، روزنامه نیست بلکه آگهی تجاری است. در این شرایط، جای روزنامه‌ای که جنبه اجتماعی و سیاسی داشته باشد، خالی است. من با تعدادی دوستان دانشگاهی‌ام که حاضر نیستند در روزنامه اطلاعات مطلب بنویسند، می‌خواهیم روزنامه‌ای درست کنیم و احتیاج به کمک داریم و خواهش می‌کنیم مطلب را به عرض اعلی حضرت برسانید. سخنان مصباح‌زاده را به محمدرضا منتقل کردم. محمدرضا از مسعودی و روزنامه‌اش ناراضی بود زیرا مسعودی کسی نبود ولی از قبل حمایت رضاخان توانست از طریق روزنامه‌اش به همه چیز برسد. ولی همین آدم پس از شهریور ۱۳۲۰ از برادران محمدرضا با عنوان «شاهپوره‌های لوس و نُر» یاد می‌کرد و محمدرضا از این مسئله، بسیار ناراحت بود. محمدرضا گفت: مصباح‌زاده راست می‌گوید، این اطلاعات اصلاً روزنامه نیست؛ او را بیاور تا ببینمش.^۳

مصباح‌زاده در خاطرات خود موضوع کمک مالی شاه را در تأسیس روزنامه این‌گونه بیان

می‌کند:

تنها پایگاه مالی که داشتیم، کمک خود شاه بود. ایشان دو نوع به ما کمک کردند؛ یک کمک اولیه به مبلغ پنجاه هزار تومان که ما با آن، روزنامه را راه انداختیم؛ کمک دوم وقتی بود که اعلی حضرت صد و پنجاه هزار تومان برای خرید چاپخانه مرحمت کردند؛ این پول را سروان حسین فردوست که فرد مورد اعتماد شاه بود، به صورت نقد برای ما آورد. ولی من پول را نگرفتم و گفتم صبر کنید تا شرکتی تأسیس

۱. «مصاحبه: در کیهان خاطرات»، *ایران‌نامه*، بهار و تابستان ۱۳۷۷، شماره ۶۲ و ۶۳؛ ص ۳۳۲.

۲. عاقلی، همان، ج ۳؛ ص ۱۴۵۱.

۳. شهبازی، عبدالله، *ظهور و سقوط سلطنت پهلوی؛ خاطرات ارتشبد حسین فردوست*، ج ۱ (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های

سیاسی ۱۳۸۸، چاپ بیست و هشتم)؛ صص ۱۳۲-۱۳۱.

کنیم؛ به ثبت برسانیم و حساسی داشته باشیم و آن وقت، شما این پول را به آن حساب بریزید؛ رسید بگیرید و بیاورید پیش ما تا در مقابل آن به شما سهم شرکت را تقدیم کنیم. ولی تهیه چاپخانه در زمان جنگ، کار آسانی نبود. یک چاپخانه دست دوم در تبریز سراغ کردیم و رفتیم آن را با تمام وسایل خریدیم و به تهران آوردیم. این اولین ماشین چاپ لکنتی ما برای سال‌ها به کیهان خدمت کرد و وقتی ما روتاتیوهای غول‌آسا را به کیهان آوردیم، این دوست قدیمی را در سرسرای ساختمان کیهان به معرض تماشای بازدیدکنندگان گذاشتیم تا همه بدانند کیهان چگونه شروع کرده و از کجا به کجا رسیده است.^۱

موضوع نمایندگی مصباح‌زاده هم اندکی بعد از ماجرای تأسیس روزنامه کیهان پیش آمد و مصباح‌زاده با مراجعه به شاه، درخواست خود را برای نمایندگی بندرعباس مطرح کرد. فردوست شرح ماجرا را این‌گونه مطرح کرده است:

مصباح‌زاده مرد بسیار مقام‌پرستی بود. یک بار دیگر به من مراجعه کرد و خواستار شد که از بندرعباس وکیل شود (برای دوره چهاردهم). به محمدرضا گفتم و گفتم که به فرمانده ژاندارمری بندرعباس دستور لازم را بده. مصباح‌زاده رفت و فرمانده ژاندارمری را - که یک سرهنگ بود - نزد من آورد. گویا قبلاً او را دیده بود و روابط خوبی داشتند. به سرهنگ فوق گفتم که دستور اعلی حضرت است که به ایشان کمک کنید تا رأی بیاورد. سرهنگ هم گفت: «اطاعت می‌شود!» ولی ظاهراً همان موقع، سفارت انگلیس فرد دیگری را کاندید کرده بود «عبدالله گله‌داری» و مصباح‌زاده موفق نشد ولی در دوره‌های بعدی با توصیه محمدرضا توانست به مجلس راه یابد.^۲

وی که در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی نتوانسته بود نمایندگی بندرعباس را به دست آورد، در دوره پانزدهم بار دیگر کاندیدای شهر بندرعباس شد که با توصیه محمدرضا شاه توانست به نمایندگی برسد. دستور انتخابات دوره پانزدهم در چهاردهم آبان ۱۳۲۵ صادر شد و در شهرهای مختلف انتخابات برگزار گردید. در بندرعباس از روز ۲۴ تا ۲۸ دی ماه همین سال انتخابات انجام گرفت و دکتر مصباح‌زاده توانست با اکثریت آراء (۱۴۹۵۲ از ۱۵۸۵۱) به مجلس راه یابد و اعتبارنامه وی در تاریخ ۵ مرداد ۱۳۲۶ از سوی اکثریت نمایندگان مجلس تأیید شد.^۳

او در مجلس دوره پانزدهم، مخیر کمیسیون بودجه بود و بودجه سال ۱۳۲۶ و ۱۳۲۷ نیز در این مجلس مورد رسیدگی قرار گرفت. از جمله مشکلاتی که مصباح‌زاده درباره آن‌ها در مورد بندرعباس در مجلس شورای ملی صحبت نمود، بحث نداشتن ماما و نداشتن آب آشامیدنی مناسب بود که در یکی از جلسات مجلس در حین بحث درباره بودجه کشور به آن اشاره نمود:

... مردم بندرعباس، آب مشروب ندارند و آب باران است که در برکه‌ها جمع می‌شود. دو سال و سه سال می‌ماند و مردم یک آب متعفن که همه چیز در او هست، جز چیز خوب؛ این آب را می‌خورند. مردم بندرعباس به من آن‌جا گفتند و برای من نوشتند که من از دولت و نمایندگان یک خواهش بکنم به اینکه توجه کنید به بندرعباس و سایر بنادر جنوب که به کلی از آبادی افتاده یا اینکه یک کار بکنید یک روز آقایان آن هم نه در خرداد و تیر و مرداد بلکه در اردیبهشت میهمان مردم بندرعباس بشوید؛ یک روز

۱. «مصاحبه: در کیهان خاطرات»، همان؛ ص ۳۴۱.

۲. شهبازی، همان؛ ص ۱۳۳.

۳. مشروح مذاکرات مجلس، دوره پانزدهم، جلسه ۳؛ نک: سند شماره ۱۴.



آنجا تشریف بیاورید؛ در اردیبهشت هوای آنجا را ببینید؛ آب آنجا را بخورید و مالاریا بگیرید؛ تیفوئید بگیرید و مرض پیوک در بیاورید. این ضرب‌المثل شده؛ در کتب طبّی نوشته می‌شود. اگر اقبال به آن‌ها یاری کند، آن پیوک را هم در بیاورند، ببینند به مردمی که در تمام سال در آنجا زندگانی می‌کنند چه می‌گذرد. بنده از کمپانی سرالکساندر گیپ خواهش کردم و این کمپانی چند نفر را فرستاد به بندرعباس و در آنجا مدت چند ماه مطالعه کردند و مطالعات خودشان را به لندن فرستادند. [دکتر طبّا: به خرج کی این مطالعات را کردند؟] بنده خودم این خرج را کردم؛ برای اینکه می‌دانستم اگر به دولت مراجعه کنم، به این زودی‌ها انجام نخواهد شد. یک سال طول کشیده و تمام شده و گزارشش را چند روز است که به بنده داده‌اند و بنده می‌خواهم تقدیم جناب آقای نخست‌وزیر بکنم ...^۱

بیشترین فعالیت مصباح‌زاده در این دوره از مجلس، معطوف به بررسی بودجه کشور بود و به دلیل اینکه مدت طولانی بین مجلس چهاردهم و بازگشایی مجلس پانزدهم فاصله افتاده بود، بحث بررسی بودجه کل کشور، یکی از موارد مهمی بود که در این دوره به آن رسیدگی می‌شد.

از جمله موضوعاتی که در این دوره از مجلس به آن پرداخته شد، بحث رأی اعتماد به کابینه قوام بود که مصباح‌زاده از جمله ۹۳ نماینده‌ای بود که به آن رأی اعتماد دادند. دکتر متین‌دفتری درباره استدلال مصباح‌زاده در نطق خود در رأی اعتماد به احمد قوام در دوره پانزدهم مجلس شورای ملی این‌گونه آورده است:

... چند روز قبل اینجا با همکاران محترم صحبت می‌کردیم؛ من جمله آقای دکتر مصباح‌زاده رسیدند؛ راجع به این برنامه و رأی اعتماد صحبت شد. یک نظری اظهار کردند که قابل توجه است به نظر بنده؛ ایشان گفتند که من به دولت‌ها کار ندارم. این دولت یا هر دولتی که برنامه بدهد، به شرطی که یک کار صحیح نشان بدهد ولو اینکه خیلی جزئی باشد؛ یک کاری که جزئی باشد، عمل بکند، من به آن دولت رأی اعتماد می‌دهم؛ مثلاً دولتی بگوید من چند کیلومتر راه می‌سازم ولی بسازد؛ این راه را واقعاً بسازد و اطمینان باشد که این راه را می‌سازد و راه را با آن اسلوب علمی دنیا پسند بسازد؛ من به هر دولتی که یک چنین تصمیمی داشته باشد، رأی اعتماد می‌دهم و الا برنامه‌ها را نمی‌شود مآخذ گرفت برای رأی اعتماد؛ رأی اعتمادی که به دولت‌ها می‌دهند، این است که این دولت با سوابقی که دارد؛ با منشی که دارد؛ با مسلکی که دارد، این رجل سیاسی آیا متناسب با اوضاع امروز هست یا نیست؛ اگر هست، بهش رأی می‌دهند، اگر نیست، نمی‌دهند و الا این رأی اعتماد در سوابق اشخاص اثری ندارد؛ مثلاً اینجا آقای نخست‌وزیر در برنامه‌شان اشاره کردند که من عملیات گذشته خودم را در آینده گزارش خواهم داد و به اطلاع ملت و مجلس شورای ملی می‌رسانم. البته هر وقت خواستند و دادند، رسیدگی می‌شود و تحقیق می‌شود. البته هر ذیحسابی وقتی که صورت‌حسابش را داد، می‌تواند مفاصحا حسابش را بگیرد؛ تا نداده است، آن حساب، همان‌طور مراعی و معوق است و رأی اعتماد مجلس به هیئت دولت، چه دولت حاضر و چه آینده، این هیچ دلالتی بر گذشته و اعمال گذشته اشخاص ندارد و نخواهد داشت ...^۲

نتیجه

به‌طور کلی آنچه از دوره‌های مورد بحث در تاریخ برجای مانده، بیانگر وابستگی دو نماینده بندرعباس یکی به انگلستان و دیگری به دربار و شخص شاه و خانواده وی است. حوزه انتخابیه بندرعباس به دلیل

۱. همان، جلسه ۴۰.

۲. همان، جلسه ۱۸؛ نطق متین‌دفتری.

موقعیت سیاسی‌اش و به دلیل قرار گرفتن در منطقه تحت نفوذ انگلستان در جنگ جهانی، این تمایل را در دولت انگلستان ایجاد نموده بود تا همانند روسیه در شمال ایران، نمایندگان مورد تأیید خود را انتخاب و به مجلس راهی سازد تا در مجلس شورای ملی بیان‌کننده خواست‌ها و نظرات و مدافع منافع این دولت در مجلس باشند؛ به همین دلیل، تداخل آرائی بین شاه و انگلستان پیش آمد و در واقع، این شاه بود که به نفع انگلستان کنار کشید و در دوره پانزدهم نیز که مصباح‌زاده نماینده مورد تأیید شاه، به نمایندگی از بندرعباس انتخاب شد، دور از ذهن نیست که تأییدی این کار نیز از انگلستان گرفته شده بود.



۳۳۹۹

شماره کتاب ۱۴

۳۶۵ نونه

وزارت پست و تلگراف

شماره ۱۲۰۵۵


شماره ۲۲۲۹۹

تلفظی	شماره قفسه	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	نام گیرنده
ب ط	شماره تلگراف	۸۶۹	۲		۱/۸	

مجلس شورای ملی کبیله جناب آقای نخست وزیر کبیله وزارت کشور کبیله وزارت نهنگ کبیله روزنامه هدهد کبیله روزنامه زندگی کبیله روزنامه اقدام کبیله روزنامه میر ایران کبیله آقای گلک در ایران نماینده محبوب عباس عینا استانداری کرمان کبیله روزنامه پیداری چون در روزنامه کیهان هدهد الت مطالب غیر واقعی بنام عمادی و اخبار عباسی و در روزنامه پیداری کرمان تلگرافات ساختنی بعنوان نظم خورشید و به سه نفر دیگر از نمایندگان پراهم رسیدگی نمودن فرماندهی و همه خالی از حقیقت و ناشی از غرض روزی حاج مشیرک وانی وکیل سابق که دره یکتا نوری و مصباح را که میخواست در زمین که دره آزادی و مومکراسی بزور سر نیزه و ترساندن که دره نفران شهران و اعمال مختلفه که مرتکب شده که بدون رای وکیل شود و چون وضعیت انتخابات با پرومندی بوده و جزئی عمل خلاف نمیشد هر دم که رای ندانند مشارا هم وکیل نکردند لهند انامبرده مشغول که سیمه و غرض روزی با مامورین عباسی و کاسه از آنرا که نموده مطالب بنام خرابی عباسی در روزنامه هدهد روح نموده که اسباب مشوب نمودن آن هان مقامات مربوطه و پاس مامورین رافراهم آوردند لابد اما هدهد حقایق را غرض چاپرده از کار پرتو بسته شده غرض این که و غیر محرم و کله ثابت شود که بلکه دست از سر ما برداشته و خود را از این حرکات نمایند حاج مشیرک وانی

پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۲

شماره کتاب	شماره ۳۶۵	سال	۱۳۲۲	 وزارت پست و تلگراف و تلفن تلگراف
از پیوسته	شماره قبض	تاریخ اصل	توضیحات	نام گیرنده
۴	شماره تلگراف	۲	۳	۴

۱۳

بوشهری شخصی فقیری سواد بوند که از بوشهر گرگریخته و بعد باس آمد به تریپاتی
 تجاری پیدا و بوسایلی که اظہار ششم اوراست در موقع دیکتا نوری برای ساختن
 وکیل و قوه وکالت بدست محمد رحیم نوانی شب نامه نویسی و صد اقت کاغذ ساز-
 که خدای خورگرا را در عیال مشیرچندین فقوہ املاک و نخل های مردم رایند و قیمت
 یا جزئی وجهی برده و با این اعمال شنیع و بیاری مردم از ضیاع اریه درند و دره و موکرا
 میخواست مثل پیش وکیل شود و چون رای نداشت اعمالی از قبیل خریدن رای و
 فرستادن قوا مسلح این رایا زمین های قریب و نظمی و نهاده فرمادند اروما مورین نمود
 وقتی که مایوس شدند شروع بشکایت نمودند از ما مورین و عنوان نمودند که بین -
 اهالی و ساختن تلگرافات بمقامات مربوطه و دانشن شب نامه گردید اخیر شروع
 به بد گفتن بد ولت شده و اظہار این معنی سلکت را مردم نمودند و اقوام خود و چند نفر
 هوجی را جمع و حزب نه بانند و نفری ساخته و خونش را رئیس و برای فرار از رضیانی
 اعلانی که بزور مردم بیکرمان رفته و نیابت حزب به محمد رحیم نوانی شب نامه نویسی -
 واگد اروا وهم بنام حزب در وقت تلگرافات و نامه های امضا و برای نه بدید ما مورین به
 اندارت میفرستند و ز طرفی چون حاج مشیر و مصباح زاده هرند و محرم و کاله و به یک
 دره مبتلا هستند یا هم سازش نمودند اند که نوانی ها با اس تلگرافات و اخبار

ادامه سند

شماره کتاب سال ۱۳۲۵

شماره ۳۶۵


وزارت پست و تلگراف و تلفن
تلگراف

از عباسی	شماره قبض	عدد کلمات	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	نام گیرنده
۵	شماره تلگراف			ص ۳	روز ماه	

نه رضی جعل و آقای مصباح زاده هم نه روزنامه کیهان نه روح می کنند و کس هم باین اعمال رسیدگی نمی کنند این است بعرض میرسانیم این تلگرافات نامه ها و شب نامه ها که نسبت به مامورین و خرابی عباسی نه روح میشوند همه نه روح و مامورین عباسی - بخصوص آقای مظفری فرمانده ارکه شخصی وطن پرست و با تجربه و پاکدانی است همیشه مشغول کار خیر برای بازگرداندن ویرانه ها و آینه اخلاقی ساریقین چندین نه فعه به اطراف عباسی رفته و شهرت آری را منظم و در عمران و آبادی کوشش و اب فئات که - در آنها جریان نه آینه نه رصه نه اصلاح و تکلیف امور عباسی یا کمال صحت رسیدگی می نماید و عموم اهالی کمال رضایت از رضا رالمیه نه آریم و از دولت کمال تشکر را می نمایم که بعد از نه آنها همچه مامورین دست کارویی غرضی برای ما فرستاده اند که از هر جهت - اسونه یا شیم ابراهیم گله نه آری علی توکل حسن محترم عید رسول محترمی عید خالز محترم عید رحمان گله نه آری نه دستگار رضا امیری محمد گله نه آری اجنه فصیل جوان - اجنه محمه شفیق گله نه آری محمد صالح علوی تیمور هدستانی احمد مولوی محمد - شریف معماری غلام نوروز غلام شاه حسینی غلام رگوی احمد شریعی محمد سالاری - حسین محمد نه بخشش علی ارزنگ غلام رنجبری محمد قاسم غلام رمضان زاده حسین فولاد زاده علی رئیس علی سیف نه پنی غلام نه ولت خوا محسن مختار زاری عباس -

۱۴

ادامه سند

نونه ۳۶۵				شماره کتاب	
سال ۱۳۲۲		وزارت پست و تلگراف و تلفن			
تلگراف					
نام گیرنده	تاریخ وصول روز ماه	توضیحات ص	تاریخ اصل	عدد کلمات	شماره قبض ۴
					شماره تلگراف

ملاحی علی غلامرضائی علی زاهدی کتاب رحیمی غلام نه هشت پور حسین صنیعی جعفری
رنجبر عباس خرد منگاری غلام قولان زانه حسین جمعه پور علی اصغر حسنی جعفری
نسب غلام حسین حریمی زانه حیدر ولولان زانه صفر علی غلام شاه پور احمد محمدی -
احمد صالح بنده حسین کمالی شعبان ایمان پور غلام عباس عباس شاه آرفین چان
الله قادری رستم شریفی نصر الله علی زاده قاسم صفری محمد سهرابی علی شیخ آبادی
نه رویش زاری علی زاری علی امیری حسین بایرجا حیدر رنجبر محمد هینم شکن محمد
د اکری شنبه یادی زانه عباس صغشکن حیدر رویش پور محمد شاه پسته علی شاه
پرست

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ادامه سند

کمیته ثبت اسناد و املاک
شماره ۱۹
سال ۱۳۲۲
وزارت پست و تلگراف و ترابری
تکراف

شماره کتاب ۱۲
ی

نام گیرنده	تاریخ وصول	توضیحات	عدد کلمات	تاریخ اصل	شماره قفسه
	روز ماه		۱۰	۲۷۳	۱۱۸۸۱
	۱۲/۱۶				شماره تکراف ۳۰۱

جناب آقای سید محمد صادق طباطبائی ریاست عالییه مجلس شورای ملی -
 رونوشت جناب آقای دکتر مصدق رونوشت آقای حسین اسفندیاری رونوشت آقای
 دکتر طاهری رونوشت آقای هاشم رونوشت آقای کاظمی رونوشت آقای مرآت اسفندیاری
 رونوشت آقای فریاد رونوشت آقای ملک مدنی رونوشت آقای کله‌ده‌اری
 آقای مشیردانی محروم الوکاله در وره چهاردهم و محمد رحیم دانی پراگ زاده
 ایشان به تلافی محرومیت از وکالت مجلس شروع بفریک سلسله نه میسه برای بد
 نام کرده اندن آقای کله‌ده‌اری نماینده عباس و نهیمه زمین نه وره پانزدهم کرده اند
 که موجب ان خواهد شد انش نفاق و تفرقه بین مردم بیچاره عباسی شعله ور
 کرده و روزانه برای بد نام کردن آقای کله‌ده‌اری نمایند و فعلی عباسی مشوب
 کردن ان دهان نمایند کان محترم بمخاطره یک مشت تلکرافات سر تا پا در روغ با مضام
 یک عده از کما شته گان و نوکران خود میا درستی کنند ما مردم عباسی آقای کله‌ده‌اری
 را بهترین زده بگوان میثاقیم و خدمت گذاری این خانواده بی جامعه بهترینیم
 و این حقایق است که برای مغرضین هم جای انکاری باقی نخواهد گذاشته به
 همین اکنون سعادت صد ها خانواده را در معرض انباشان نامین میشود لایق انستین
 مراتب بالا را با اطلاع نمایندگان محترم پرسانیم خانمنا از

شماره کتاب _____

وزارت پست و تلگراف و تلفن

تلگراف

شماره قفسه ۳۵۱

شماره تلگراف _____

نام گیرنده	تاریخ وصول		توضیحات	عدد کلمات	تاریخ اصل	شماره قفسه	از عیالی به
	روز	ماه					
			ص ۲			۳۵۱	شماره تلگراف

پیش آمد قیوم منظر بین آقایان مرآت اسفندیاری و کله نه آری اظهار رضا سفیر میماندیم
 و از حسن نیت ریاست محترم مجلس و سایر نمایندگان خیرخواه اصلاح و برقراری
 تو و سنن و صمیمیت چندین ساله ایشان امیدواریم رفیق توکل جلالی سعدی امین
 نه اندیشه خیری محترم احمد پاینده و مستوری رفیق نورانی عیسی یوسفی هزاره یوسف
 اسمعیلی یوسف نوفیقی محمد عبداله بنده ریاست شکیبای عبداله فرزند مسی محمد -
 یوسف ملاحی تشکر یوسف علی قهرانه افروزه کله نه آری محمد کله نه آری عبداله
 محن عبد الرسول محترم بیله آری امیری سین علی پرستار و غلام پاشا نیران حسین -
 کله نه آری پراهم کله نه آری .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

ادامه سند

عنوان تلگراف
گله داریان
کتاب رمز بتلی

تجارتخانه شیخ عبدالکریم گلکله داری
هران

شماره
تاریخ
پیوست

توسط ریاست محترم مجلس شورای ملی
جناب آقای وزیر دارایی

۱۳۳۳

ملوک تلگرافات واسله از بندرعباس از مالکین عباسی و میناب بواسطه منع صدور
فرمای مازاد بخارج (عانات) خرماها درخرفراهی و ازین رفقن است و ما
اینکه چندی قبل وزارت دارایی بفرمانداری عباسی تلگرافی دستور داده کسوتی
مربکب از روماء ادارات و مالکین و مطلقین محل تکمیل داده نتیجه را گذا رهنمند
تا دستور صدور خرما داده شود و ما اینکه تمام این تعرفات در حدود چهل روز
قبل انجام داده شده و میزان مازادرا با اطلاع وزارت دارایی و اداره کل گمرک
رمانیده اند معلوم نیست بچه علت تکمیل دستور صدور خرما تاکنون نداده اند
و مالکین بخارج را بجهت دوچار اینگونه خسارات مینمایند در صورتیکه مازاد
خرمای عباسی به هزار نه هزار تن بوده که از انجمله دوهزار تن برای مصرف محل تا
بست آمدن محصول جدید موضوع و بقیه را ملوک شخصی کسیون محل برای صدور فوری
فوری میدانند بدیهی است درمقابل این خرما که قریباً ازین خواهد رفت اجناس
مورد احتیاج کشور وارد خواهد گردید و در نتیجه علم صدور خسارت و زیان ان مستقیم
معوجه کشور و توده خواهد بود . مقتضی است هرچه زودتر دستور تلگرافی بعباسی
مدار و اجازه فرمائید هرچه زودتر خرماهای مازاد بخارج حمل گردد

با تقدیم احترامات

نماینده بندرعباس - کلنداری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
رتال جامع علوم انسانی

شماره
 تاریخ
 پیوست
 ۱۳۳۳ ماه ۳
 توسط ریاست محترم مجلس شورای ملی
 آقای دکتر میلسچی

عنوان تلگراف
 کله داریان
 کتاب رمز پنتلی

تجارتخانه شیخ عبدالعزیز گلپایگانی
 تهران

ملی تلگرافات واسله از بندر عباس از مالکین عباسی و میناب بواسله منع صدور
 خرمای مازاد بخاربه (صناعات) خرمایا غیر خرمای و از زمین رفته است و
 اینکه چندی قبل وزارت دارائی بفرماندگی محاسن تلگرافی دستور داده که
 در کباب و عیال ادارات و مالکین و ممالکین محل تکمیل داده تعیینه را گذارند
 تا دستور صدور خرما داده خود و یا اینکه تمام این تصرفات در حدود چهار روز
 قبل انجام داده شده و میزان مازاد را با اطلاع وزارت دارائی و اداره کل گمرک
 رساننده اند محاسن نسبت به علتها کتون دستور صدور خرما تکمیل ندادند
 و مالکین بخاربه را بصورت دوبار اینگونه خسارات بینمایند در صورتیکه مازاد
 خرمای عباسی بهر از ده هزار تن بوده که از انجمله دو هزار تن برای صرفه
 دست آمدن وصول جدید موزج و شیره را ملیون تقسیم کسبون محل برای صدور فوری
 ضروری میدانند بدین است فرمات اول این خرما که فرمایا از زمین خواهد رفت اجناس
 مورد احتیاج کشور وارد خواهد کردید و در تعیینه عدم صدور خسارت و زیان آن مستقر
 معوجه کشور و توده خواهد بود . مقتضی است هرچه زودتر دستور تلگرافی بعباسی
 صادر و اجازه فرمائید هرچه زودتر خرمای مازاد بخاربه حمل گردد

با تقدیم احترامات

پروفسور گاه علوم انسانی و مطابقت
 پرتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۵

شماره
تاریخ
پیوست
۱۵ تیر ماه ۱۳۳۳

عنوان تلگراف
کلمه داریان
کتاب رمز بتلی

تجارتخانه شیخ عبدالعزیز گلهداری
تهران

توسط ریاست محترم مجلس شورای ملی
جناب آقای نخست وزیر

طبق تلگرافات واصله از بندرعباس از مالکین عباسی و میناب بواسطه منع صدور خرماهای مازاد بخارج (عمانات) خرماها در شرف خرابی و از بین رفتن است و با اینکه چندی قبل وزارت دارائی بفرمانداری عباسی تلگرافی دستور داده کمیونتهای مرکب از رؤساء ادارات و مالکین و ملاحظین محل تشکیل داده نتیجه را گزارش دهند تا دستور صدور خرما داده شود و با اینکه تمام این تشریفات در حدود چهل روز قبل انجام داده شده و میزان مازاد را با اطلاع وزارت دارائی و اداره کل گمرک رسانیده اند معلوم نیست بچه علت تاکنون دستور صدور خرما تاکنون نداده اند و مالکین بیچاره را بجهت دوچار اینگونه خسارات مینماید در صورتیکه مازاد خرماهای عباسی بیش از ده هزار تن بوده که از آنجمله دوهزار تن برای مصرف محل تا بدست آمدن محصول جدید موضوع ویشیه را طبق تشخیص کمیسیون محل برای صدور فوری ضروری میدانند بدیهی است در مقابل این خرما که قریباً از بین خواهد رفت اجناس مورد احتیاج بکشور وارد خواهد گردید و در نتیجه عدم صدور خسارت وزیران آن مستقیم متوجه کشور و توده خواهد بود. مقتضی است هرچه زودتر دستور تلگرافی بعباسی صادر و اجازه فرمائید هرچه زودتر خرماهای مازاد بخارج حمل گردد

با تقدیم احترامات
نماینده بندرعباس - گلهداری

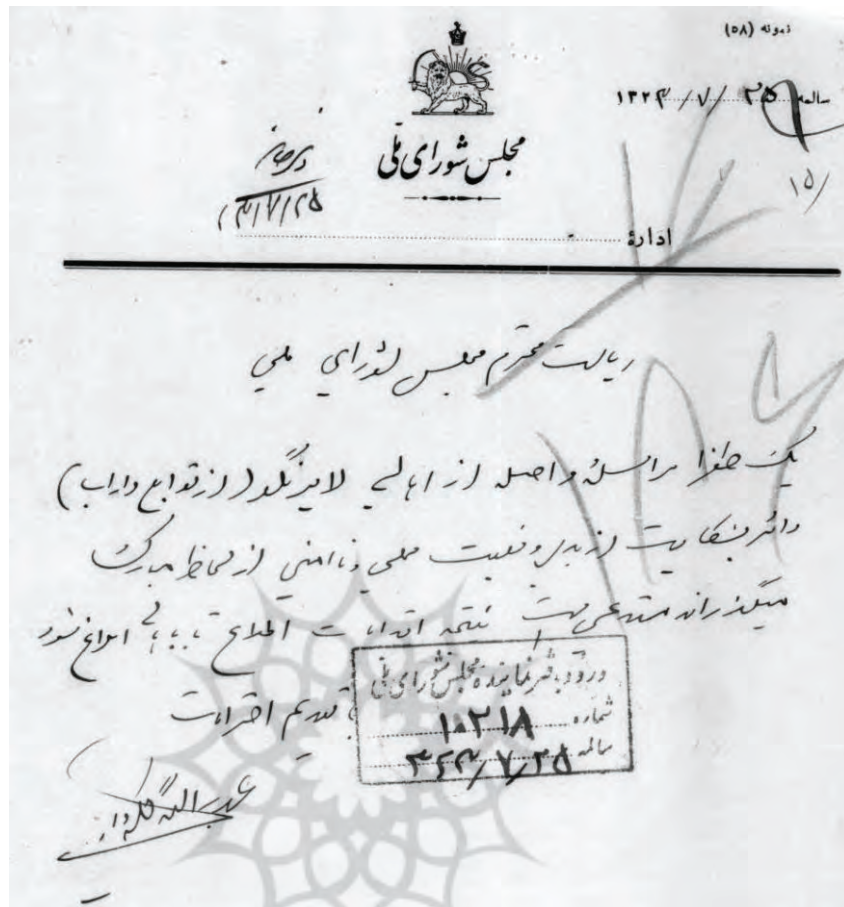
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی
پرتال جامع علوم انسانی

وزارت پست و تلگراف و تلفن
تلگرافی

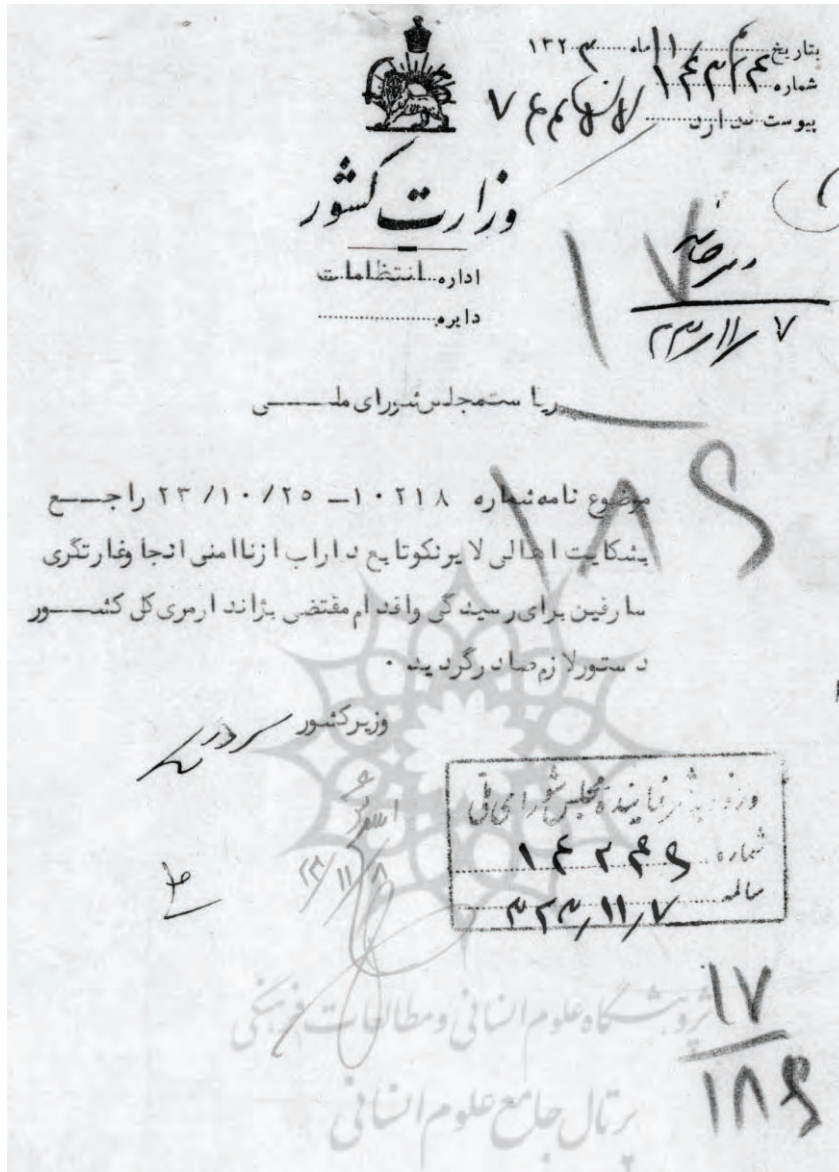
نام گیرنده	تاریخ وصول		توضیحات	تاریخ اصل	عدد کلمات	شماره قبض	شماره تلگراف
	روز	ماه				۱۳۳۷	
	۷/۱۲			۷	۱۳۲	۱۱۹	

توسط آقای شیخ عبدالعزیز داری نمایند صاحب عباسی وزارت تجلیله دارائی
 کمیته وزارت داخله کمیته مجلس شورای ملی کمیته رئیس کل دارائی کمیته کسبان
 کمیته جرایم از بدو صد و حکم دادن قمار با اهالی جزیره عیار تا کنون
 فقط در یک سال قبل بر روی یکمتر و پنج قمار با اهالی جزیره قسم داده اند
 عباسی و دخترها را با استغناء جزیره قسم قمار رفتند و شکر و چاهی مرتب -
 می برد از بدو قسم از جزو قلم افتادگان محسوب شد و بر ملا رفتند و شکر و چاهی
 از بیرون مآکنون هم نداده اند عازانه استدعای رسیدگی و مرید پرداخت
 قمار یک ساله رفتند و شکر و چاهی چای بهار چهار ماهه را که حق خود اهالی
 است داری محمد الماسانی عبد مانی صالحی محمد سعیدی اسرائیلی محمد
 نقریندی محمد محرفی محمد انصاری
 وزیر و پسر نمایندگی مجلس شورای ملی
 شماره ۹۵۲۴
 ساله ۱۳۳۷/۱۲/۳۰

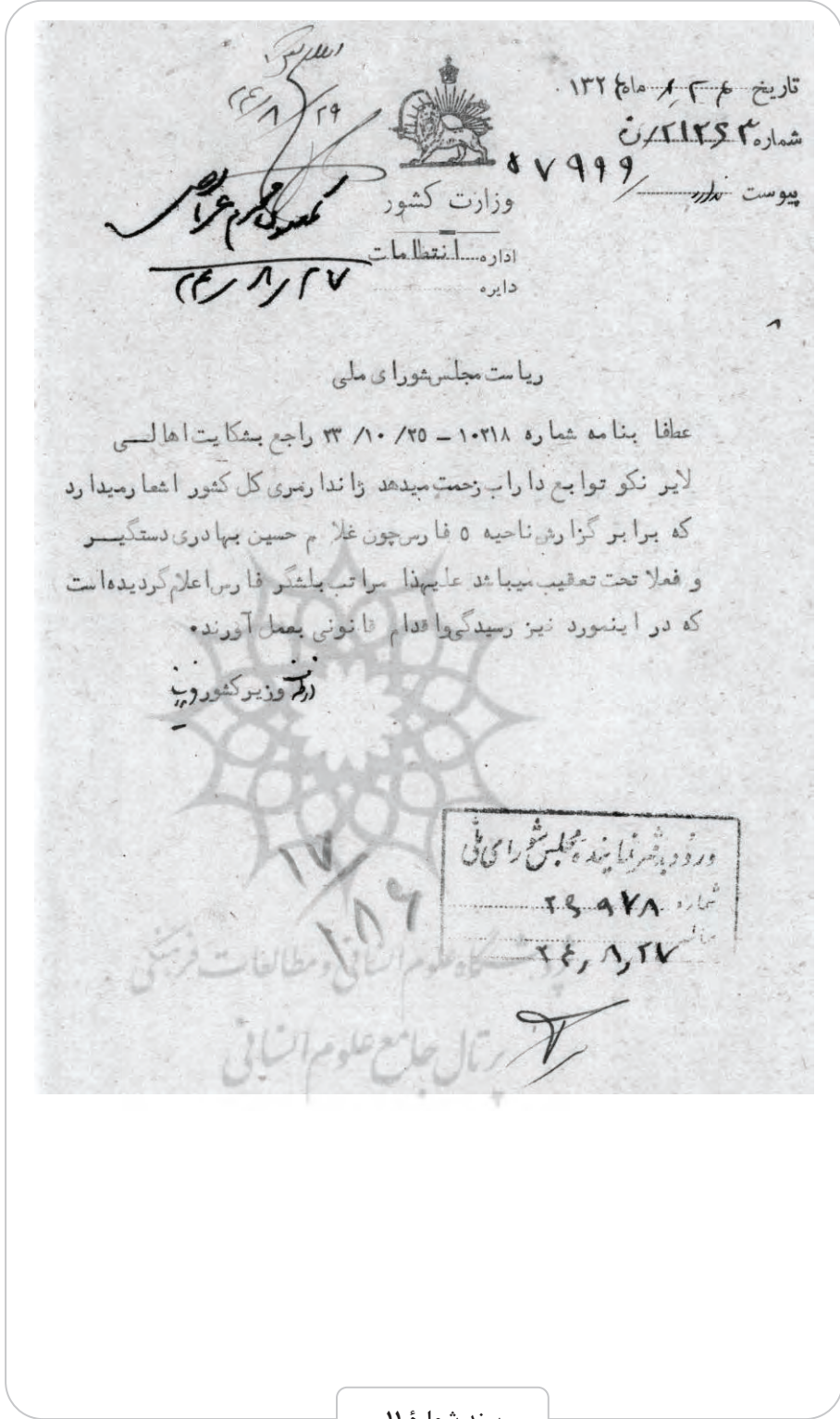
سند شماره ۷



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سند شماره ۱۰



سند شماره ۱۱



وزارت کشور

اداره اطلاعات و آمار
دایره

تاریخ ۶/۲۷/۱۳۲۹

شماره ۳۱۹۸

پیوست ۲/۱۳۱۹۸

ریاست مجلس شورای ملی

عطف بنام شماره ۲۱۲۷۱ مورخه ۱۵ / ۶ / ۲۴ راجع به ارسال
رونوشت شکایت اهالی خورگریه راجع بانصب غلام امیرشکاری
بکد خدائی آنجا باستحضار میرساند .

طبق گزارش استناداری هشتم در محل بموضوع رسیدگی شده -
بیشتر اهالی و مالکین سراج صداقت را نمیخواهند و بانصب
غلام امیرشکاری موافقت دارند و اشخاصی که شکایت میکنند عمدتاً
محدود و بیشتر نیستند و غلام امیرشکاری هم که شخصی است جوان
و فعال و بنا به پیشنهاد عمدتاً مالکین و بیشتر اهالی خورگریه کد خدائی
برگزیده نشده است .

وزیر کشور

۱۳۵
۵۷

۲۴۸.۸
۲۴,۹۲۹

سند شماره ۱۳



* (اعتبار نامه) *

ما اعضا کنندگان زیر اعضاء انجمن نظارت حوزه انتخابیه شهرستان بندرعباس
تصدیق مینمائیم که آقای دکتر مصطفی صباح رازبه پسر مرحوم عبدالرحمن (صبح دیوانه) که شغلش استاد دانشگاه
است و سنش سی و هشت سال و ساکن تهران چهارراه پهلوی است در انتخابات این حوزه انتخابیه
که در تاریخ بیست و یکم بهمن ۱۳۲۵ واقع شده با کثرت ۱۴۹۵۲ رأی از ۱۵۸۵۱
رأی دهمندگان نمایندگی برای مجلس شورای ملی منتخب گردید و شهادت میدهم که انتخاب مشارالیه
موافق مقررات قانون انتخابات مورخه ۲۸ شوال سنه ۱۳۲۹ که بعضی از مواد آن در دوازدهم
شهریور ماه و پنجم و دوازدهم مهر ماه شمسی ۱۳۰۴ و قانون دهم مهر ماه ۱۳۱۳ و قانون ۲۷
مرداد ۱۳۲۲ اصلاح و به تصویب مجلس شورای ملی رسیده انجام یافته و تفصیل این انتخاب
در صورت مجلس انتخابات این حوزه مندرج است
تاریخ ۲۱ بهمن ۱۳۲۵
مهر و اعضاء انجمن نظارت
این اعتبارنامه صحیح است
مهر و امضای فرماندار و مهر فرمانداری
مرحمت فرماندار بندرعباس
مهر و امضای آقایان
مهر و امضای آقایان
مهر و امضای آقایان

سند شماره ۱۴



پښتونستان د علوم انساني او مطالعاتو فرعي
پرتال جامع علوم انساني